

تربیت امروزه نه تنها در جوامع و خانواده‌های مسلمان مورد توجه قرار گرفته و هر پدر و مادری آرزو می‌کند که فرزندان خود را طبق رهنمودهای صحیح و اصول و ارزشهای والای انسانی و الهی تربیت نموده و در آینده فرزندی رشد یافته و کارآمد داشته باشد بلکه اهداف عالی و اخلاقی تعلیم و تربیت از مهم‌ترین دغدغه‌های جهانی است.

سازمان ملل متحد در بند ۲ از ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر داشته است که: تعلیم و تربیت باید به توسعه شخصیت انسان و تقویت و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی متوجه گردد و تفاهم و اغماض و مودت را بین کلیه ملل و دسته‌های نژادی و مذهبی به وجود آورد و موجب پیشرفت فعالیت‌های (۱). ملل متحد در راه حفظ صلح شود

موضوع این نوشتار افزون بر اهمیتی که در خودمسئله تربیت وجود دارد به نقطه نظرات شخصیتی برمی‌گردد که خود نمونه بارزی از یک انسان کامل و تربیت یافته در مکتب نبوی، علوی و فاطمی است و هم چنین پرورش دهنده فرزندان است که هر کدام به نوبه خود به عنوان اسوه‌های عالی و تجلی ارزشهای والای انسانی در تاریخ بشر می‌درخشند. امام حسن مجتبی (ع) همان شخصیت تربیت یافته در دامان رسالت است که پیامبر اکرم (ص) در مورد وی فرمود: حسن پسر من است، او از من است. او نور چشم من و روشنائی قلب من می‌باشد، او میوه جان من است، او سید و آقای جوانان اهل بهشت است. او حجت خدا بر امت من می‌باشد. دستورات او دستورات من و سخن او سخن من است، کسی که از او پیروی کند او (۲). از من است و کسی که با دستورات او مخالفت کند از من نیست خصلت‌های زیبا و کمالات عالی انسانی آنچنان در وجود مقدس وی می‌درخشد که حتی دشمنانش را نیز به اعجاب و تحسین واداشته است. ابن حجر عسقلانی از دانشمندان اهل سنت می‌نویسد:

هنگامی که حسن بن علی (ع) از دنیا رفت یکی از دشمنان سرسخت آن حضرت در تشییع جنازه او گریه می‌کرد. حسین بن علی (ع) به او گفت: تو با آن همه اذیت و آزار و مخالفت که در مورد برادرم روا می‌داشتی باز هم گریه می‌کنی؟ او گفت: ائی کنت افعل ذلک الی احلم من هذا و اثار بیده الی الجبل؛ (۳) من به کسی بدی می‌کردم و آزارش می‌دادم که صبورتر و حلیم‌تر از این کوهها بود. در مورد مقام ارجمند آن حجت الهی همین بس که حضرت سیدالشهدا (ع) با آن عظمت و جلالت خویش در مقابل دستورات و اوامر امام حسن (ع) تسلیم محض بود. امام باقر (ع) فرمود: ما کلم الحسین بین یدی الحسن اعظاماً له؛ (۴) امام حسین (ع) به خاطر رعایت عظمت امام حسن (ع) هیچ گاه در مقابل سخن او

حرفی نمی‌زد. سیره تربیتی امام حسن(ع)

در سیره تربیتی امام حسن(ع) مسائل تربیتی و نکات باریک روان شناختی قابل توجهی دیده می‌شود که می‌تواند به عنوان الگو و روش صحیح تعلیم و تربیت کودکان مطرح شود و بهترین فنون پرورش کودکان برای والدین و مربیان است. بر اساس روش تربیتی امام مجتبی(ع) بعد از این که به زمینه‌ها و بسترهای مناسب در تعلیم و تربیت پرداخته شد، با ایجاد ارتباط عاطفی و بکارگیری شیوه‌های صحیح تربیتی به رشد و پرورش فرزندان اقدام می‌شود. در این شیوه مسائل اساسی و ریشه دار تربیت، عوامل و نقش آفرینان در این صحنه، شیوه‌های اصلاح رفتار و جلوگیری از لغزش‌ها، صفات و شرایط مربیان برتر، راه‌های مقابله با مشکلات و حل آنان، تربیت دینی، اهمیت الگو و سرمشق، موانع و آفات تربیت، اهمیت خانواده و نقش بنیادی والدین از جمله مواردی است که مورد توجه قرار گرفته است که برخی از آنان در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهمیت تربیت

انسان موجودی ترقی خواه و دارای استعداد کمال است و برای سیر تکاملی خویش لازم است با پیروی از یک روش تربیتی قوی و کامل تلاش نماید و در کنار پرورش جسم در تعالی روح خود و فرزندانش نیز کوشا باشد و گرنه ماهیت انسانی‌اش را از دست خواهد داد. امام حسن مجتبی(ع) در مورد اهمیت تربیت معنوی و روحی می‌فرماید: «عجبت لمن یتفکر فی مأکوله کیف لایتفکر فی معقوله فیجئ بطنه مایؤذیه و یودع صدره ما یردیه؛ تعجب می‌کنم از فردی که در غذای جسمانی خود فکر می‌کند (که سالم و بهداشتی و پاکیزه باشد) اما در غذای روح و جان خویش نمی‌اندیشد»، در نتیجه شکم خود را از غذاهای زیانبخش حفظ می‌کند ولی برایش اهمیتی ندارد که افکار پلید و ناپسند در روان او وارد شده و وجودش را در معرض افکار پست و انحرافی قرار دهند. نقش آفرینان در تربیت والدین:

از منظر امام حسن مجتبی(ع) پدر و مادر در شکل‌گیری شخصیت فرزندان اساسی‌ترین نقش را دارند به این جهت آن حضرت به مردی که در مورد خواستگاران دخترش از آن حضرت نظرخواهی می‌کرد، به نقش پدر آینده و مدیر خانواده اشاره کرده و فرمود: «زوجه من رجل تقی فاته ان احبها اکرمها و ان ابغضها لم یظلمها؛ (۵) برای همسری دختری با تقوا و مؤمن برگزین، زیرا اگر او دختر ترا دوست بدارد وی را احترام خواهد کرد و اگر خوشایند او نباشد به وی ظلم نمی‌کند».

همچنین آن گرامی به اهمیت نقش مادر پرداخته و هنگامی که بامعاویه مناظره می‌کرد در مورد یکی از علل انحراف معاویه از محور حق و انحطاط اخلاقی وی از نقش مادرش هند یاد کرده و گفت: معاویه! چون مادر تو «هند» است و مادر بزرگت

«نثیله» می‌باشد و تو در دامن چنین زنان فرومایه و پست پرورش یافته‌ای این گونه اعمال زشت از تو سر می‌زند و سعادت ما اهل بیت پیامبر(ص) در اثر تربیت در دامن مادرانی پاک و پارسا همچون خدیجه و فاطمه می‌باشد. (۶) نقش رفیق بدون تردید بعد از خانواده مهمترین عاملی که در خلق و خوی فرزندان تأثیر می‌گذارد رفقا و دوستان وی هستند. حضرت امام مجتبی (ع) در تربیت فرزندان خویش به نقش مهم رفیق توجه داشته و به داشتن دوستانی سالم عنایت ویژه مبذول کرده است. آن حضرت به فرزندش سفارش می‌کند که: فرزندم! با هیچ کس دوستی مکن مگر اینکه از رفت و آمد (ویژگی‌های روحی، اخلاقی و رفتاری) وی آگاه گردی، هنگامی که دقیقاً بررسی و تحقیق نمودی و معاشرت و دوستی با او را برگزیدی، آن گاه با او بر اساس گذشت و چشم پوشی از لغزش‌ها و یاری کردن در سختی‌ها همراه باش! (۷) مربی و معلم

حساسترین دوران رشد کودک در مراکز آموزشی و مدرسه سپری می‌شود و مربیان و معلمان با گفتار و رفتار و منش خود صفات و اخلاق روحی و روانی شان را به فرزندان منتقل می‌کنند و دانش‌آموزان بیشترین تأثیر را از اساتید و مربیان خود می‌گیرند بنابراین بخش مهمی از شخصیت فرزندان بستگی به معلمان و اساتید وی دارد. در این راستا امام حسن (ع) تأثیر چشمگیر معلمان و نقش ارزنده آنان در عرصه تربیت را یاد آور شده و آنانرا به تربیت صحیح دانش‌آموخته‌گان سفارش کرده و فرمود: کسی که یتیم آل محمد(ص) (دانشجو و دانش‌آموز دینی) را سرپرستی نماید و به جای پدر و اولیاء دلسوزش وی را تحت مراقبت خویش قرار دهد، یتیمی که در ورطه جهل و ناآگاهی فرورفته است. چنانچه او را از جهل برهاند و امور مشتبه و به هم آمیخته را برای او توضیح دهد و به تأمین نیازهای مادی او نیز اقدام نماید فضیلت و بلندی مقام وی (در مقایسه با دیگران) همچون درخشش خورشید به (سها) و ستاره کم نور است. (۸) محافل عمومی و مذهبی

محافل عمومی و مذهبی از دیگر عوامل تربیت در منظر امام حسن مجتبی(ع) است. آن حضرت در گفتاری حکیمانه افزون بر نقش مجالس و کانون‌های اجتماعی در اخلاق افراد به شرکت در محافل مفید و سازنده توصیه نموده و می‌فرماید: کسی که پیوسته به مساجد رفت و آمد داشته باشد یکی از هشت بهره را نصیب خود خواهد کرد: آشنائی با دوستان جدید، استفاده از دانش‌های نو و اطلاعات تازه و نایاب، یافتن دلیل محکم و قاطع در راه هدف، رسیدن به رحمتی مورد انتظار از طرف خداوند، آموختن سخنانی که او را از لغزش و خطاها باز می‌دارد، یاد گرفتن راههای صحیح و هدایت بخش، ترک گناه از ترس خداوند، خودداری از معصیت به (۹). خاطر شرم از مردم و ترس از رسوائی

در اینجا به برخی از روش‌های تربیت در سیره آن حضرت می‌پردازیم: الف. تحریک حسّ کمالخواهی

انسان ذاتاً شخصیت خود را دوست دارد و سعی می‌کند که با کسب کمالات

محبوبیت و عزّت خود را تقویت کرده و بالا ببرد. مربیان می‌توانند با استفاده از این خصلت و تحریک حس برتری‌طلبی فرزندان آنان را به سوی اهداف صحیح تربیتی هدایت کنند.

امام حسن(ع) از این شیوه در تربیت فرزندان استفاده می‌کرد. آن حضرت روزی فرزندان خود و فرزندان برادرش را دعوت کرده و در ضمن یک گفتگوی صمیمی به آنان فرمود: اَنِّكُمْ صِغَارِ قَوْمٍ وَ يَوْشِكُ اَنْ تَكُونُوا كِبَارِ قَوْمٍ اٰخِرِيْنَ فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ اَنْ يَحْفَظَهُ فَلْيَكْتِبْهُ وَ لِيَضَعْهُ فِيْ بَيْتِهِ؛(۱۰) همه شما کودکان اجتماع امروز هستید و امید است که بزرگان جامعه فردا باشید پس دانش تحصیل کنید و علم بیاموزید. هر کس از شماها توانائی حفظ دانش را ندارد آن را بنویسد و در منزلش نگهداری نماید. ب. شناساندن الگوهای غرب

انسان در دوران نوجوانی شدیداً به دنبال الگو می‌گردد و حس تقلید او را وادار می‌کند تا از الگوهای دلخواهش تقلید نماید. این خواسته درونی وسیله مناسبی است که مربیان و والدین در امر تربیت از آن بهره گیرند و الگوهای خوب را در معرض دید فرزندان قرار دهند و به او معرفی نمایند. امام مجتبی(ع) در سیره و سخن خویش به الگوی نیکو اشاره کرده و آنان را به پیروانش می‌شناساند. آن حضرت بعد از شهادت پدر بزرگوارش به معرفی شخصیت ممتاز تاریخ، حضرت امیرالمؤمنین(ع) پرداخته و آن گرامی را به عنوان سرمشق خوبان عالم معرفی کرده و فرمود: ای مردم! در این شب مردی از دنیا رفت که در هیچ کار نیکی پیشینیان بر او سبقت نگرفتند و بندگان خدا در هیچ سعادتى به او نمی‌توانند رسید او به همراه (11). پیامبر(ص) جهاد می‌کرد و جان خود را فدای او می‌نمود

آن حضرت در سخن دیگری حضرت فاطمه زهرا(س) را مقتدای نیایشگران به شمار آورده و در مورد آن بانوی وارسته فرمود: ما كان اعبد من فاطمة كانت تقوم حَتَّى تَتَوَرَّمْ قَدَمَاهُ؛(۱۲) در دنیا شخصی عابدتر از فاطمه(س) نبود، آن بزرگوار در حالت مناجات و عبادت آنقدر روی پاهای خود می‌ایستاد تا آن که پاهای مبارکش ورم کرد. ج. شیوه حلم و خویشتن داری

حلم و بردباری مربیان در ارتباط با متربیان حساسیت خاصی دارد. زیرا نوجوانان و کودکان در اثر بازیگوشی و شیطنت ممکن است دچار خطاها و لغزشهائی شوند و موجبات ناراحتی بزرگترها را فراهم آورند اما استفاده از این شیوه مربیان را بیشتر یاری خواهد کرد. و طعم شیرین مدارا و گذشت را در آینده نزدیک خواهند چشید. این شیوه را در رفتار امام حسن(ع) به نظاره می‌نشینیم

روزی امام حسن مجتبی(ع) سوار بر مرکب خویش، در یکی از معابر مدینه عبور می‌کرد. با مردی از اهل شام مواجه شد. آن مرد شامی تا حضرت را شناخت بی‌درنگ به لعن و نفرین امام پرداخته و سخنان ناشایستی را نثار امام کرد. حضرت امام مجتبی(ع) در همان حال با کمال خونسردی و بردباری تمام سخنان زشت و دشنامهای ناروای او را با سکوت و صبر تحمل کرد و خشم خود را فرو می‌برد. تا این

که مرد شامی عقده دل را خالی کرده و خاموش شد. در آن لحظه پیشوای دوم شیعیان با سلام بر آن مرد، سکوت آن چند لحظه خاموشی را شکسته و با لبخندی ملیح که حاکی از صفای دل آن جناب بود و در حالی که مهر و عاطفه و محبت در چشمان نافذ و سیمای نورانی اش موج می‌زد لب به سخن گشوده و به آرامی فرمود: ای مرد! گمان می‌کنم که در این شهر غریب باشی و شاید هم مرا به اشتباه گرفته‌ای؟ حالا اگر از ما رضایت بطلبی از تو راضی می‌شویم و اگر چیزی از ما بخواهی، به تو می‌بخشیم، اگر راه گم کرده‌ای راهنمایی می‌کنیم، اگر گرسنه‌ای تو را سیر می‌نمائیم، اگر لباس نداری تو را می‌پوشانیم، اگر نیازمندی تو را غنی می‌کنیم، اگر از جائی رانده شده یا فراری هستی تو را پناه می‌دهیم اگر خواسته‌ای داری بر می‌آوریم، اگر توشه سفرت را پیش ما آوری و مهمان ما باشی برای تو بهتر است و تا هنگام رفتن از تو پذیرائی می‌کنیم. چون که خانه ما وسیع و امکانات مهمان نوازی‌مان فراهم است.

آن مرد وقتی با این برخورد کریمانه حضرت مواجه شد و سخنان شیوا و دلنشین آن بزرگوار را شنید، آرام آرام احساس کرد که ناراحتی خاصی در درون وجدانش او را می‌آزارد. آثار شرم و حیا بر صورتش ظاهر شده و پیش از آن که سخنی بگوید، اشک ندامت بر گونه‌هایش لغزید و بالحنی خاضعانه و مؤدبانه عرضه داشت: شهادت می‌دهم که تو خلیفه خداوند بر روی زمین هستی، خداوند دانایانتر است که رسالتش را در کدام خانواده قرار دهد: الله اعلم حیث يجعل رسالته؛ تا این لحظه شما و پدران منفورترین خلق خدا نزد من بودید و اکنون شما را محبوبترین فرد روی زمین می‌دانم. آن گاه به همراه امام حسن(ع) راهی خانه آن حضرت شد و تا روزی که در مدینه بود در مهمانسرای حضرت پذیرائی می‌شد. بعد از آن واقعه در ردیف دوستان و ارادتمندان خاص اهل بیت (ع) قرار گرفت. (۱۲) د. شیوه‌های رفتاری والدین و مربیان مهمترین آموزه‌های تربیتی را می‌توانند با اعمال شایسته خویش در وجود فرزندان پدید آورند. زیرا آموزه‌های رفتاری بطور غیر مستقیم و ناخود آگاه در نهاد نونهالان تأثیر می‌گذارد. اگر آنان فقط به گفتارها و توصیه‌های خالی از عمل بسنده کنند ممکن است کودکان در دل خود این ابیات را زمزمه کنند که

پندم چه دهی نخست خود را

محکم کمری زیند بریند

چون خود نکنی چنان که گویی

پند تو بود دروغ و ترفند

با مروری کوتاه به سیره عملی امام مجتبی(ع) بهره‌گیری از این شیوه را بالعیان مشاهده خواهیم کرد که تمام کمالات اخلاقی و معنوی و انسانی در سراسر زندگی آن حضرت به چشم می‌خورد. عفو و گذشت، حلم و بردباری، تواضع و فروتنی، عبادت و راز و نیاز کرامت و بخشش و سایر خصلت‌های ویژه انسانی در

زندگی آن حضرت مشهود است. نمونه‌ای از سیره عملی آن حضرت را با هم
:بخوانیم

یکی از غلامان خدمتگزار حضرت امام حسن(ع) مرتکب جنایتی شد که سزاوار کیفر بود. حضرت دستور داد تا وی را تنبیه نمایند. غلام خطاکار در آن لحظه پیشدستی کرد و خطاب به امام (ع) این آیه را قرائت نمود: و العافین عن الناس؛ انسانهای وارسته از خطای گنهکاران عفو می‌کنند. حضرت فرمود: بخشیدم. غلام ادامه داد و الله يحبّ المحسنین؛ خداوند نیکوکاران را دوست دارد. امام فرمود: ترا در راه خدا آزاد کردم.(۱۴) ۵. تشویق

از موفق‌ترین شیوه‌های تربیتی تشویق و ترغیب افراد است. این شیوه علاوه بر اینکه محرکی بسیار قوی در تغییر رفتار به سوی اهداف مطلوب تربیتی است در شکوفا سازی و استعدادهای درخشان و نهفته انسانی نقش فوق العاده‌ای دارد. تجربه نشان داده است که تشویق مناسب و بجا می‌تواند نهفته‌ترین استعدادها درونی کودکان و نوجوانان را زنده کرده و در مرحله پیشرفت و سازندگی قرار دهد و آنان را در رسیدن به اهداف مهم و حیاتی و کمالات قوی دل و استوار سازد. نقل دو روایت از امام حسن(ع) اهمیت به نقش تشویق را در سیره آن بزرگوار روشن می‌کند:

انس بن مالک می‌گوید: یکی از کنیزان امام حسن(ع) شاخه گلی را به حضور 1- آن حضرت هدیه نمود، امام حسن(ع) آن شاخه گل را با کمال میل پذیرفته و به او فرمود: ترا در راه خدا آزاد کردم. من به عنوان اعتراض گفتم: در مقابل اهداء یک شاخه گل او را آزاد کردی؟ امام فرمود: خداوند در قرآن به ما چنین یاد داده و فرموده است: «اذا حیّتم بتحیّة فحیّوا باحسن منها؛ هرگاه کسی به شما تحیت گوید پاسخ آنرا بهتر از آن بدهید» سپس فرمود: پاسخ بهتر همان آزاد کردن (15)». اوست

روزی آن حضرت غلام جوانی را دید که ظرف غذائی در پیش دارد او لقمه‌ای از 2- آن می‌خورد و لقمه دیگر را به سگی که نزدیک او نشسته بود می‌داد. امام حسن(ع) پرسید: چرا چنین می‌کنی؟ پسر نوجوان پاسخ داد: من خجالت می‌کشم که خودم غذا بخورم و این سگ گرسنه بماند. حضرت مجتبی(ع) خواست که به این غلام مهربان پاداشی نیکو عنایت کند به این جهت او را به خاطر این عمل نیک، از مولایش خرید و آزاد کرد و باغی را که در آن کار می‌کرد خریده و به او بخشید.(۱۶) و. ورزش و تفریح

در امر تربیت توجه به شادی سالم و روحیه بخش و حرکات نشاط آفرین جایگاه ویژه دارد. چرا که تفریح و ورزش کودکان و نوجوانان را پرتوان، فعال و نیرومند می‌سازد و افرادی که با نشاط باشند آموزه‌های اخلاقی و کمالات را بهتر می‌پذیرند. اساساً تربیت یافتگان مکتب حیات بخش اسلام باید شاداب و روحیه‌های قوی داشته باشند. امام مجتبی(ع) یکی از ویژگی‌های مؤمنین را پرنشاط بودن آنان می‌داند و

می‌فرماید: از ویژگی‌های انسانهای با ایمان، شادی و نشاط داشتن در مسیر (17). هدایت و خودداری از شهوات است این روحیه در والدین و کسانی که امر تربیت را به عهده دارند به مراتب باید بیشتر رعایت شود، زیرا کودکان دوست دارند شاد و خندان باشند و از والدین و معلمان عبوس و گرفته در رنج و عذابند چون وانمی‌کنی گرهی خود گره نباش ابرو گشاده باش چو دستت گشاده نیست

برای تربیت فرزندان پرنشاط و دارای روح و جسمی سالم شایسته است که مربیان و والدین خود از چنین صفاتی برخوردار باشند. در این زمینه نباید از نقش ورزش غافل بود. در سیره امام حسن (ع) ورزش از روش‌های تفریح، سرگرمی و تقویت جسم و روح و بالاخره از عوامل رشد و تربیت محسوب می‌شود آن حضرت ضمن شرکت در ورزشهای تربیتی و تفریحی از پرورش روحی و معنوی نیز غافل نبود. عاصم بن ضمره می‌گوید: روزی به همراه حسن بن علی (ع) برای گردش و تفریح به ساحل فرات رفته بودیم، عصر آن روز در حالی که روزه بودیم آب صاف و زلال فرات، روی سنگ‌ها و شن‌ها موج می‌زد و تمام اشیاء داخل آب در مقابل چشمان ما خودنمایی می‌کردند. حسن بن علی (ع) گفت: اگر لباس شنا داشتیم داخل آب می‌شدم و آب تنی می‌کردم. گفتم: من دارم و آن را در اختیار شما می‌گذارم. فرمود: پس خودت چه می‌پوشی؟ گفتم: من همین طوری به داخل آب می‌روم. فرمود: این همان کاری است که من اصلاً دوست ندارم و خوشم نمی‌آید. از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: در داخل آب موجودات زنده‌ای است که باید از آنها شرم کنید و به احترام آنان بدون پوشش مناسب به داخل آب نروید. (۱۸) پاورقی‌ها: پی‌نوشت‌ها: ۱ - تربیت اسلامی، کتاب دوم، ص ۲۰۴. ۲. و اما الحسن (ع) فانه ابني و ولدي، و مني و قرّة عيني و ضياء قلبي و ثمرة فؤادي و هو سيد شباب اهل الجنة و حجة الله على الامه، امره امری و قوله قولی، من تبعه فانه مني و من عصاه فليس مني. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۹. ۳. تهذيب التهذيب، ج ۲، ص ۲۵۹. ۴. المناقب، ج ۳، ص ۴۰۱. ۵. مكارم الاخلاق، ص ۲۳۳. ۶. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۲۸۲. ۷. تحف العقول، ص ۲۳۳. ۸. منية المرید، ص ۳۳. ۹. تحف العقول، ص ۲۳۵. ۱۰. ترجمة الامام الحسن (ع)، ص ۱۶۷. ۱۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۰۰. ۱۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۵. ۱۳. مناقب، ج ۳، ص ۱۹. ۱۴. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۲. ۱۵. جلوه هائی از نور قرآن، ص ۲۷. ۱۶. البداية و النهايه، ج ۸، ص ۲۸. ۱۷. اعلام الدين، ص ۱۳۷. ۱۸. مسند امام مجتبی (ع)، ص ۷۹۷